

جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور
جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور
حمیدرضا مظاهری سیف

فهرست مطالب

سخنی با خواننده	15
دسته نخست) پرسش های جوانان ما	18
دسته دوم) پرسش های پیش روی سیاست گذاران فرهنگی	19
الف) پرسش های توصیفی	19
ب) پرسش های تحلیلی	19
مقدمه	21
بخش اول: فطرت در جغرافیای معنویت	25
فصل اول: فطرت محجوب و معنویت ممسوخ	27
مقدمه	27
فطرت حاضر در محضر خداوند	29
محجوبیت فطرت با طبیعت	30
سایبایا خدای خیالی	35
اکنکار و رؤیای عروج	37
وین دایر و بهشت این جهانی	40
کریشنا مورتی راهنمای آزادی بی راه	43
مرلین منسون و فوبیای معنوی	46
شادی بی هدف دالای لاما	49
فطرت حنیف	52
فطرت توحید	53
فطرت ولایت	54
ضرورت جامع گرایی فطری در معنویت گرایی	56
شاخص ها و ویژگی های معنویت های نوظهور	56
تلاش برای التیام رنج های روانی	57
ناتوانی از ایجاد تحول در زندگی	57
ستم پذیری	58
تباه کردن میراث معنوی انسان	59
تکنرگرایی مخاطب محور	60
فصل دوم: بازکاوی تجربه عرفانی از منظر فطرت	62
مقدمه	62
تعریف تجربه عرفانی	63
نظریه های تجربه عرفانی	64
تأثیر اعمال در تجربه عرفانی	70

نقش باورها در تجربه عرفانی	72
تنوع تجربه ها یا تنوع تفسیرها	73
ساخت گرایى صورتى	75
ساخت گرایى بنیادین	78
فراساخت گرایى (فراذهن گرایى)	81
فطرت گرایى	86
فطرت توحیدى	87
آگاهی وجودى	90
تقدم تجربه عرفانى انفسى	91
راهى باز برای همه	92
تحلیل تجربه عرفانى	95
فصل سوم: بررسى تطبیقى تجربه عرفانى در شش مکتب	97
مقدمه	97
ملاک داورى	98
طبیعت گرایى	100
عرفان شمنیسم (طبیعت گرایى وهم گرا)	101
انتخاب شمن	102
زیربنای شمنیسم	103
رؤیا دیدن	106
نقد و بررسى شمنیسم	108
تائوئیسم (طبیعت گرایى واقع نگر)	110
1. شناخت تائو	111
2. طریقت تائو	112
3. رنج و رهاى	114
نقد و بررسى عرفان تائوئیسم	116
عرفان بودیسم	118
دارما	119
پرگیا (فراشناخت)	121
نقد و بررسى عرفان بودیسم	122
عرفان هندوئیسم	123
برهمن و آتمن	124
برهمن ساگونه و نیرگونه	125
نقد و بررسى عرفان هندوئیسم	126
عرفان مسیحى	127
توحید در تثلیث	127
گناه ذاتى	129

130	راه عشق
131	اتحاد با خدا و تمایز
133	نقد و بررسی عرفان مسیحی
134	عرفان اسلامی
134	توحید و فنا
138	کرامت انسان
139	شریعت
140	نقد و بررسی
141	نتیجه
143	بخش دوم: معنویت گرایی پست مدرن
145	فصل چهارم: تی.ام. نمونه ای از عرفان پست مدرن
145	مقدمه
145	1. مبانی عرفان پست مدرن
147	1-1. هندوئیسم
148	1-1.1. برهمن
148	1-2. آتمن (Atman) و جیوه (Jiva)
151	1-3. مایا (Maya)
151	1-4. سامسارا (Samsara)
151	1-5. موکشا (Moksa)
151	1-6. کارما (Karma)
152	1-7. جنانا (Jnana)
153	1-2. بودیسم
153	1-2-1. دوکا (Duhkha)
154	1-2-2. دارما (Dharma)
154	1-2-3. نیروانا (Nirvana)
155	1-2-4. دیانا (Dhyana)
156	1-3. اومانیسم
160	1-4. سکولاریسم
165	2. شاخص های عرفان سکولار
166	2-1. پوچ انگاری روش شناختی
170	2-2. پنداری سازی ادراکات
173	2-3. موهوم انگاری هستی
176	2-4. آمادگی برای سلطه پذیری
179	2-5. زنگ تفریحی برای بردگان سرمایه داری
184	فصل پنجم: عشق و معنویت در اندیشه اشو
184	مقدمه

187	نیلوفر عشق در مرداب شهوت
190	مراقبه نیازمند عشق
194	درنگی در مراقبه اشو
198	دروغی به نام صداقت
203	سراب معنویت
208	خودفریبی اخلاقی
213	عشق و اختیار
217	عشق پیدایش گر
220	هجران در عشق
224	درک ضرورت یگانگی عاشق با معشوق
229	کشف انس در حجاب سوز
233	عفت کیمیای مقدس
236	عشق مجازی در طرح دوم
240	جمع دو طرح در یک رابطه
243	سردی و گرمی عشق
246	مهارت های عشقورزی
249	نتیجه
252	فصل ششم: افسانه معنویت در آثار کوئیلو
252	مقدمه
253	1. اندیشه
253	سحر و جادو
257	روح کیهانی
259	افسانه شخص
262	جنبه سوپرناتو افسانه شخصی
265	ندای درون
269	خدای خطاکار
274	رزم آور نور
277	احساس جانشین خرد
282	کنار آمدن با احساسات منفی
284	زبان نشانه ها
286	شهامت
288	عشق
291	2. نقد
291	سراب سلوک
295	شکاف میان خرد و ایمان
298	احساس خوب منهای عملکرد درست

- 301 شکنجه و جنگ برای شکوفایی استعدادهای شخصی
- 304 فراموش کردن رؤیای بهشت
- 306 تسلیم در برابر ظلم و خطا
- 307 سراب آرامش و شادمانی
- 311 راهی دشوار
- 313 نتیجه
- 316 فصل هفتم: فالون دافا معنویت بدن گرا
- 316 مقدمه
- 317 مبانی تائوئیستی
- 319 تائو بنیان هستی
- 320 تضاد و بازگشت
- 321 «ته» بهره اشیاء از تائو
- 321 بی کنشی
- 325 تائوئیسم در فالون دافا
- 327 مبانی بودیستی
- 328 زنجیره علی
- 328 نیروانا
- 330 دیانا، سیر در عوالم درون
- 331 بودیسم در فالون دافا
- 332 چن، شن، رن
- 333 بازگشت به اصل
- 334 کارما و تقوا
- 336 تزکیه شین شینگ
- 338 چی گونگ و توانایی های فوق طبیعی
- 340 بدن بودا
- 342 مدار آسمانی مائویو
- 344 تزکیه ذهن و جسم
- 345 تزکیه ذهن در فالون دافا
- 347 تزکیه جسم در فالون دافا
- 349 ارزیابی
- 360 فصل هشتم: دنیای اسرارآمیز اوهام در عرفان سرخ پوستی
- 360 مقدمه
- 361 مبانی عرفان سرخ پوستی
- 364 1. بصیرت
- 365 فرق دیدن و نگاه کردن
- 365 متوقف کردن دنیا

368 یافتن بصیرت

369 آثار بصیرت

373 2. اقتدار و مراتب سلوک

377 اراده (اقتدار شخصی)

380 اسرار مرگ

381 وحدت با روح طبیعت

382 تحلیل شاخص های عرفانی در تجربه شمنیستی

383 سقوط به طبیعت

384 بازی با وهم

387 کتاب نامه

صفحه ۱۵

سخنی با خواننده

توسعه دامنه ابعاد مادی زندگی جوامع مدرن و انسان زمانه ما، نتوانسته از میزان احساس نیاز ریشه دار و همیشگی او به معنویت خواهی بکاهد. شکسته شدن اسطوره های علم گرایی و فن باوری و به پایان رسیدن دوره کوتاه ذوق زدگی های سده نوزدهمی و خاکستر شدن ماکت آرمان شهرهای دست ساخته انسان خودبنیاد در لهیب جنگ های جنون آمیز اول و دوم جهانی، و بروز بیماری های روانی ویژه عصر مدرن همچون افسردگی و استرس، در کنار ظهور پوچ گرایی های نماد یافته اجتماعی در اقشار جوان در قالب هایی همچون هیپی گری، جملگی در کنار هم بستری فراهم آورده تا معنویت خواهی که چندی به کالایی قاچاق و نشانه عقب ماندگی و کهنه پرستی تبدیل شده بود، آرام آرام به یک مطالبه عمومی تبدیل گردد و چونان عامل اصلی برای تأمین سلامت روانی جامعه و شاخصی برای افزایش ضریب هم بستگی و امنیت اجتماعی جایگاه بی همتای خود را کمابیش باز یابد.

اکنون چند دهه ای است که به اقتضای بازار گرم تقاضای معنویت جویی، عرضه این متاع نیز رو به فزونی چشم گیر گذارده است؛ به گونه ای که بازار جهانی فرهنگ با همه بازی گران بی توجه و کارگردانان و صحنه چرخان های آگاه آن، برای ذائقه تنوع خواه و سلیقه های رنگارنگ انسان دوره ما، نسخه های متنوع کوتاه و بلند و جذابی می پیچند که رضایت مشتریان را هرچه بیشتر حاصل آورد.

صفحه ۱۶

نام عرفان و یاد عارف در این میان برای همه شهروندان جامعه جهانی جذبه ای خاص دارد و دو طیف اصلی در روزگار ما به ترویج عرفان های خود رو آورده اند:

یکم - عرفان های کهن و متعلق به سنت های دیرپای منطقه ای مانند شمنیزم سرخ پوستی بومیان آمریکا یا آیین های شرقی بودایی و هندو؛ دوم - آیین های نوظهور و برساخته عده ای از پیامبران خودخوانده که مردمان را به مرام و مسلک خود می خوانند. طرفه این که در این سوق جهانی گاهی عرفان و معنویت به سکس گره می خورد، زمانی به مواد تخیل زا و مخدر، گاه به خشونت های تند و مَرَضی، گاه به صرف قول و غزل یا رمان و ادبیات فانتزی، گاه به جادو و افسانه و افسون، گاه به هیجان خواهی، گاه به رهایی از خرد یا ستیزه با عرف یا فراروی از معیارهای اخلاقی و گاه به گریز از مسئولیت اجتماعی و بی قیدی به سرنوشت دیگران.

اکنون بیش از یک دهه است که هر یک از این عرفان ها به نوعی در جامعه ایران نیز مجال طرح یافته است، نه تنها از منظر ملی بلکه در یک نگاه فراملی و در سطح مطالعات کلان فرهنگی بررسی پرونده «رشد و زوال جریان های عرفانی وارداتی در ایران معاصر» یک موردکاوی منحصر به فرد و سخت قابل مطالعه است؛ زیرا جامعه میزبان در اطلس معنویت جهانی معاصر از جای گاه بی نظیر و منحصر به فردی برخوردار بوده است. مردم ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی قاطع ترین و نمایان ترین حرکت بازگشت به معنویت را در اطلس فرهنگ جهان رقم زدند و نقادان بزرگ مدرنیته مانند فوکو را بر آن داشتند تا به حافظه تاریخ و قلم تاریخ نگاران گوشزد کنند که نقطه هزیمت و اعلام شکست پروژه جهانی مدرنیزاسیون (که متضمن گفتمان معنویت زدایی یا حداقل بی اعتنایی به معنویت بود) باید به نام «حرکت ملت ایران» به ثبت برسد.

صفحه ۱۷

بی تردید رشد معنوی ایران پس از انقلاب تحت تأثیر آموزه های اخلاقی - عرفانی اسلام شیعی قرار داشته است. در واقع دین رسمی جامعه ایرانی (اسلام شیعی) در بُعد معنویت افزایشی کارکردی مؤثر و پرنفوذ داشته و کارنامه ای پردرخشش بر جای گذارده است. این توفیق چنان بوده

که از مرزهای ایران بیرون رفت و بسیاری را در جهان اسلام و فراتر از آن از میان جوانان، روشن فکران و سیاسیون درباره مدل پیشنهادی انقلاب برای پاک زیستی (حیات طیبه) مجذوب و شیفته ساخت. سرّ این جاذبه موج آفرین در محتوا و شاخص های این معنویت نهفته است. عرفان ناب اسلامی که در دکتترین جامع فرهنگی - سیاسی معمار انقلاب تجلی کرد و صورت بندی کامل اجتماعی یافت، از مؤلفه هایی تشکیل شده که می توان به برخی از آن ها اشارتی داشت:

۱. عرفان ناب اسلامی فطرت پذیر است نه فطرت گریز ؛

عرفان راستین منطبق بر نیازهای اصیل انسانی و اراده انسان اصیل است، نه عرفان بی اعتنا به گرایش های والا و گوهرین آدمی یا بهانه ای برای برآوردن نیازهای حیوانی و تحقق اراده انسان مسموخ.

۲. اخلاق بنیاد است نه ضد اخلاق؛

یعنی عرفان راستین، عرفان شجاعت و عزت است نه خواری و ذلت، عرفان اخلاص است نه رباکاری، عرفان موحدپروری است نه مریدپروری، عرفان عفت است و حیا نه وقاحت و بی بندوباری، عرفان ایثارگری است نه خودخواهی، عرفان صدق و راستی است نه نیرنگ و دغل و

3. عرفان ناب اسلامی، عرفان خردگرایی و خردپروری است نه عقلانیت گریز و عقل ستیز.

4. بصیرت بخش و حقیقت جو است نه جهالت و خرافه پرور و اسطوره پرداز؛

صفحه ۱۸

عرفان راستین معنویتی چارچوب دار و نظام مند مبتنی بر درک هستی عالم و آدم است نه بی پایه و مبنا و عاجز از ارائه تفسیری برای معمای هستی و راز حیات آدمی.

5. عرفان ناب اسلامی، عرفان حضور و رسالت است نه انزوا و عافیت ؛ عرفان ناب حسّاس به سرنوشت اجتماعی انسان و مسئولیت آفرین در برابر توده های فقیر و تحت ستم است، نه عرفان بی تفاوت و عافیت طلب.

6. شریعت بنیاد است نه شریعت گریز ؛ عرفان راستین پای بند به ظاهر و باطن قرآن و سنت بلکه برآمده از آن است، نه بی اعتنا به شعائر و دستورات دین.

با این احوال قریب به یک دهه است که شاهد بازار نه چندان کم رونق حضور عرفان های وارداتی و معنویت های نوظهور در جامعه ایران و توجه نشان دادن طیفی از اقلشار جوان بدان هستیم. اکنون چند دسته پرسش فراروی ماست و پاسخ می طلبد:

دسته نخست) پرسش های جوانان م

1. پیام اصلی افرادی مانند کوئیلو، اشو، دالای لاما، ماهاریشی و دیگران در آثار پرشمار و متنوع شان چیست؟ پیش فرض ها، مبانی و هندسه تفکر ایشان کدام است؟

2. آیا این عرفان ها می توانند به سرگشتگی های انسان امروز پاسخی کافی، عمیق و آرامش بخش بدهند؟

3. آیا جوان ایرانی می تواند همه یا بخشی از گم شده های خود را در این عرفان ها بیابد؟

4. آیا نظام عرفان و دستگاه معنویت ما مشکلی در بنیاد دارد؟ آیا عرفان های وارداتی شرق و غرب چیزی برای افزودن به عرفان اصیل و ناب ما دارند؟

صفحه ۱۹

دسته دوم) پرسش های پیش روی سیاست گذاران فرهنگی

الف) پرسش های توصیفی

1. آیا نوع عرضه عرفان اسلامی و معنویت دینی از سوی متولیان امور فرهنگی - دینی کشور یا نوع مواجهه ایشان با معنویت جویی جوانان در این سال های اخیر نادرست بوده است؟

2. آیا اکنون جوانان یا اندیشوران ما رویکرد مؤثری به این مکتب ها دارند؟

3. به لحاظ قشربندی اجتماعی، بیشتر کدام گروه ها به این عرفان ها جذب و کدام خرده فرهنگ ها در آنها هضم می شوند؟

ب) پرسش های تحلیلی

1. ریشه های روان شناختی و جامعه شناختی استقبال جوانان ما از این مکتب ها چیست؟

2. آیا این توجه یا استقبال نگران کننده است یا برعکس در صورت تدبیر صحیح می تواند یک فرصت تلقی شود و نویدبخش باشد؟

3. پپی آمدهای این گرایش چیست؟

4. متولیان فرهنگی چه فضایی را باید برای انتخاب با بصیرت و درست جوانان معنویت جوی ما مهیا سازند؟

این تحقیق پاسخی است به پرسش های دسته نخست؛ یعنی سعی شده در گام اول، از ره گذر مطالعه آثار متعدد و جامع هر یک از جریان ها یا شخصیت ها، نظام فکری و پیام عمده ایشان جمع بندی و ارایه شود و در گام دوم، نقاط ضعف و غیرقابل دفاع در مبانی یا نتایج سوء فردی و پی آمدهای ناگوار

صفحه ۲۰

اجتماعی آموزه ها و توصیه های آنان برای جامعه جوان و اقشار هدف جریان های پیش گفته تبیین گردد. امید که این اثر در سایه سار کرامت آن قافله سالار دل های عاشق (عج) (برای گسترش و تعمیق معرفت توحیدی و عرفان زلال و حیانی مؤثر افتد.

در پایان از همه فرهیختگانی که در تولید این اثر ما را یاری رساندند، به ویژه ریاست محترم پژوهشگاه جناب حجة الاسلام والمسلمین احمد مبلّغی که زمینه نشر این اثر را فراهم آوردند، سپاس گزاریم و انتقادات و پیشنهادهای سازنده ارباب معرفت را برای بهبود این اثر معتنم می شماریم.

مهدی علیزاده

مدیر گروه اخلاق و تربیت

صفحه ۲۱

مقدمه

امروزه این باور وجود دارد که ما در عصر بازگشت انسان به معنویت، یا بازگشت معنویت به زندگی بشر به سر می بریم؛ اما نگاهی به روند شتاب زده و گسترده معنویت گرایی - که چند دهه پیش از عمر آن نمی گذرد - بهوضوح نشان می دهد که با پدیده انفجار معنویت روبه روییم. انسان مدرن که به سختی دور از معنویات نگه داشته می شد و در تمدنی زندگی می کرد که غیر از جهان و زندگی مادی برای چیز دیگری ارزش قایل نبود، حریص و عنان گسیخته به معنویات روی آورده و همانند مردمانی که در قحطی به سر می برند و انبار نانی یافته اند، سنت های کهن عرفانی و معنوی را برگرفته و هر کس تکه یا تکه هایی از مکتب های مختلف را چنگ زده و می کوشد روح تشنه خود را با آن سیراب کند.

میلتون، پرکارترین محقق در حوزه جامعه شناسی ادیان عصر جدید، می نویسد: بیش از دو هزار فرقه معنویت گرا در آمریکا و بیش از دو هزار جریان معنویت جویی در اروپاست و درصد کمی از آنها مشترک اند. در حقیقت با گذشت حدود چهل سال، نزدیک به چهار هزار مکتب و فرقه عرفانی و معنوی در جهان غرب شکل گرفته است. این جریان های معنویت گرا، طیف بسیار متنوعی دارد و از عرفان ادیان ابراهیمی تا استفاده از مواد مخدر و روابط آزاد جنسی را دربر می گیرد. در واقع هر چیزی که به نوعی فرصت فراروی از چارچوب های جامعه مدرن و روی گردانی از هنجارهای تمدن مادی و

صفحه ۲۲

سرمایه داری را فراهم کند، معنویت شناخته می شود.

در دنیای امروز که مرزهای فرهنگی کم رنگ شده و سواره نظام و پیاده نظام رسانه ای، ابرفرهنگ غرب را در جهان می گستراند، جهان اسلام نیز از حضور این جریان های هزار رنگ منزه و پاک نمانده است. از این رو، مطالعه نقادانه این فرقه ها، به خصوص آنهایی که در ایران پرکارترند، ضروری است و کوتاهی در این امر، زیان های جبران ناپذیری را به فرهنگ و سایر ساحت های حیات اجتماعی وارد خواهد کرد. کثرت فرقه های معنویت گرایی که در ایران رایج اند، به راستی همت و دانش و مهارت محققان را به مصاف می طلبد. البته ممکن است بعضی صاحب نظران ارجمند گمان کنند که بهتر است ما تنها عرفان اسلامی را ارایه دهیم و در این صورت، از نقد این فرقه های معنوی بی نیازیم؛ در حالی که از چند جهت، نقد مستقل این جریان ها ضروری می نماید:

نخست آن که، این فرقه ها به دلیل نفوذ در فرهنگ مسلمانان، تعالیم و روش های خود را با برخی از آموزه های اسلام، همانند معرفی و ادعان می کنند که ما همان چیزی را می گوئیم و می خواهیم که عرفان اسلامی می جوید؛ تنها زبان و شیوه ما امروزی، متفاوت و مردمی تر است. به این جهت لازم است تفاوت ها و کاستی های این جریان های معنویت گرا نقادی و تبیین شود، تا از این تشبیه جلوگیری و این شبهه را برطرف کند.

دوم این که، عرفان اسلامی برای ارایه، نیازمند زبان و مخاطب شناسی امروزی است و نمی توان تنها با خواندن آثار گذشته با جامعه امروزی ارتباط برقرار کرد و تحفه ای محبوب و دل نشین به جامعه فرهنگی ارمغان داد.

معنویت های نوظهور با این که ساختار، اهداف و محتوای مناسبی ندارند، معمولاً ادبیات سهل و دل پذیری به کار می گیرند که آشنایی با آن، اساتید و پژوهش گران
صفحه ۲۳

عرفان اسلامی را در بازخوانی و بازتولید عرفان اسلامی برای مخاطب امروزی و جامعه معاصر توان مند می سازد.
سوم این که، شناخت نقاط ضعف، کزی ها و کاستی های عرفان ها یا ادیان عصر جدید، کمک می کند که در ارایه امروزین عرفان اسلامی و بازتولید تعالیم و آموزه های آن بر اساس شرایط مخاطب معاصر، به بی راهه نرویم و آسیب های نوآوری در این حوزه را کاهش دهیم.
این سه مورد در نوشتار حاضر دنبال شده و به منزله مقدمه مجموعه مقاله های دیگری است که برای معرفی و تبیین عرفان اسلامی با ادبیاتی نو و برای مخاطبان امروزی در دست تحقیق و نگارش است. امید است که اندیشوران و اهل قلم در حوزه عرفان اسلامی همراه شده و دست به دست هم نهند، تا حرکتی نو و پرشور در معرفی عرفان متعالی اسلام به جوامع اسلامی و جامعه جهانی ایجاد کنند.
مجموعه حاضر، حاصل پژوهش های پراکنده ای است که در طول سال های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۶ انجام شده و به بررسی معنویت های نوپدید که در عرصه فرهنگی ایران اعلام حضور کرده اند، اختصاص دارد و کم و بیش همین جریان ها در سایر کشورهای اسلامی نیز غالب است. فصل اول این مجموعه با عنوان «فطرت در جغرافیای معنویت» شامل دو مقاله است که تحلیل های عمومی و بنیادی تر در باب عرفان های نوپدید ارایه می دهد؛ به همین دلیل ممکن است برخی از عنوان ها تکرار شود و در هر مقاله به لحاظ گوناگون، یک مکتب یا رهبر معنوی معاصر مورد توجه قرار گیرد. مقاله نخست با نام «فطرت محبوب و معنویت مسموخ» از جان شیدا و فطرت معنویت گرای انسان سخن می گوید و نشان می دهد که چگونه فروپوشیدگی فطرت در حجاب طبیعت و نفس به کج روی و بی راهه پیمایی در معنویت انجامیده است. مقاله دوم، مکاتب کهن عرفانی را با معیاری برآمده از فطرت - که همانا عطش تجربه وحدت و یگانگی با حقیقت متعالی است - به

صفحه ۲۴

تحلیل می کشد و بر اساس غایات سیر و سلوک در مراتب خود می نشاند و بساط داوری و طبقه بندی را در بین شان می گشاید. در فصل اول به این نتیجه می رسیم که معنویت، طلب جان آدمی است و اگر پاسخ راستین نیابد، به دروغ ها و فریب ها آغشته می شود. جریان ها و مکاتب معنویت گرا را بر اساس همین خلوص و آلودگی می توان در مراتبی طبقه بندی و معیار و منطقی برای داوری و شناخت برترین و فروترین شان پیدا کرد. پس لازم است که به مطالعه انتقادی مکاتب عرفانی و معنوی بپردازیم، تا بتوانیم به برترین آنها دست یابیم و از برکت آن بهره مند شویم.

فصل دوم، با چهار مقاله به فرجام می نشیند. هر کدام از این مقاله ها به نقد و بررسی یک مکتب یا فرقه معنوی پرداخته و با تأکید بر اندیشه های رهبرشان تنظیم شده است. ماهاریشی ماهش، باگوان اشو، پائولو کوئیلو و لی هنگجی افرادی اند که مقاله های این فصل را به خود اختصاص داده اند.

البته اینها تنها تعدادی اندک از جریان هایی است که به ایران وارد شده اند.

افرادی، نظیر سایبابا، یوگاآناندا، دالایی لاما، پائول توئیچل بنیان گذار مکتب اکنکار و بیش از اینها در عرصه نشر و فرهنگ جهانی اعلام حضور کرده اند و میهمان ناخوانده جامعه ما نیز می باشند. پرداختن به همه آنها در یک اثر از فهرست نویسی تفصیلی فراتر نمی رود و اخیراً آثاری در این زمینه منتشر شده است؛ اما جای نقدهای اختصاصی و به طور نسبی مسوط در این باره خالی است. در فصل دوم این اثر، می کوشیم چهار مکتب را به نقد بیاریم. امیدواریم که در چاپ های بعدی اثر مقاله های دیگری افزوده و جریان های معنویت گرای دیگر نیز بررسی و موشکافی شود.